



ساز روز ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) تبریک و تهنیت باد



« هنر زن بودن »

جلسه هفتم - ۲۸ اردیبهشت

« آیاتِ مرتبط با بانوان: »

در «سورهٔ بقره»:

« موردِ اول »:

« زوج »

(بقره / ۲۵)



« موردِ دوم »:

« خلیفه »

(بقره / ۳۰)



« مورد سوم »:

« سجده »



(بقره / ۳۴)

« موردِ چهارم »:

« سَكَنَ »

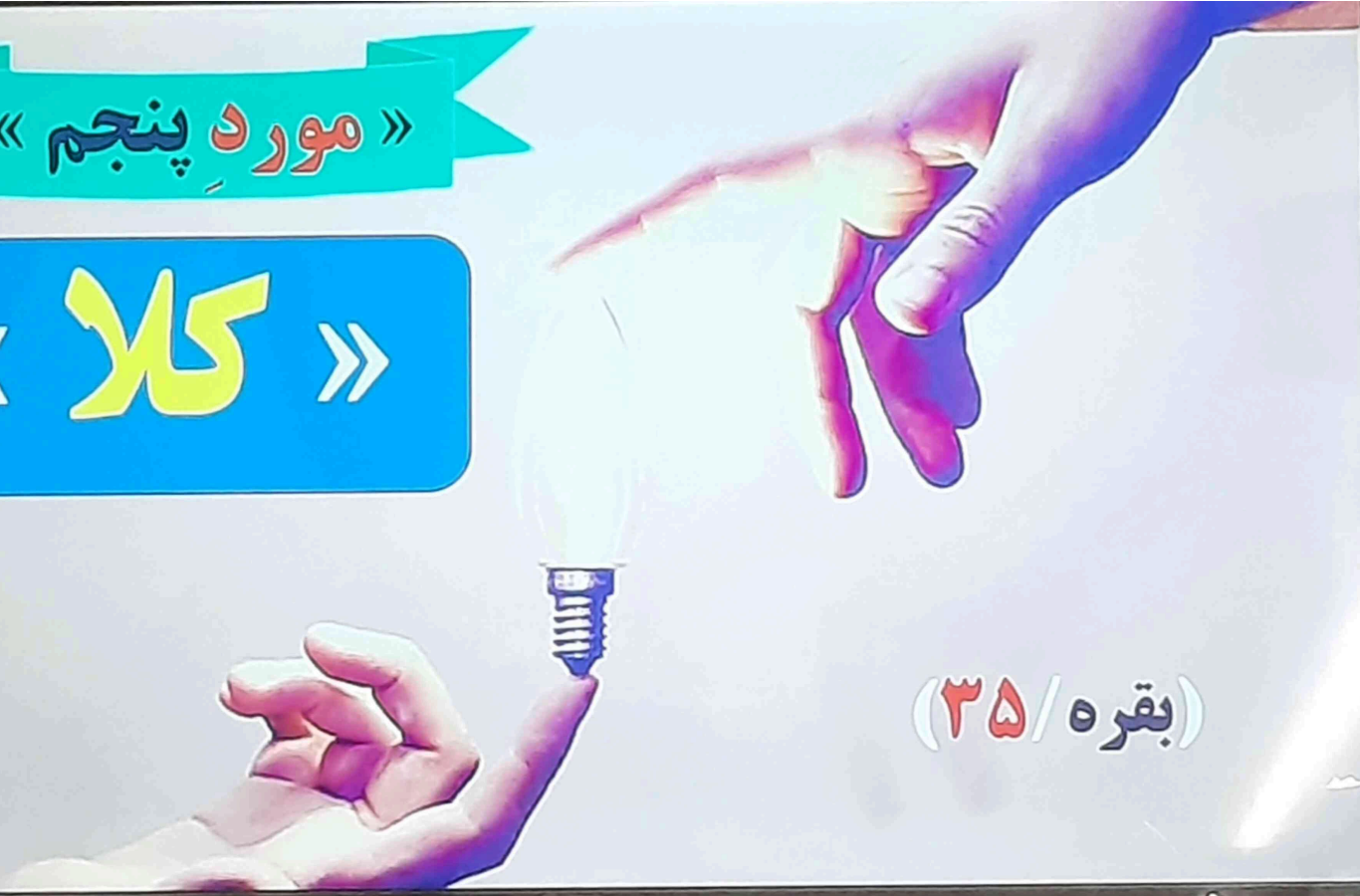
(بقره ۳۵)



« مورد پنجم »:

« کلا »

(بقره / ۳۵)





« مورد ششم »:

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ

يَذْبَحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ

وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (بقره/۴۹)

و (یاد آرید) آنگاه که شما را از (سلطه) فرعونیان رها کردیم که شما را بد شکنجه می کردند،

پسران شما را سر می بریدند و دخترانتان را زنده می گذاشتند،

و در آن آزمایش بزرگی از نزد خدایتان بود.

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ
يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ

وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (بقره/۴۹)

و (یاد آرید) آنگاه که شما را از (سلطه) فرعونیان رهان‌دیم که شما را بد شکنجه می‌کردند،
پسران شما را سر می‌بریدند و دخترانتان را زنده می‌گذاشتند،
و در آن آزمایش بزرگی از نزد خدایتان بود.

... **يُذَبِّحُونَ** أَبْنَاءَكُمْ ... (بقره/٤٩)(إبراهيم/٦)

... **يَقْتُلُونَ** أَبْنَاءَكُمْ ... (أعراف/١٤١)

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ

يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ ... (قصص/٤)

ظاهراً « **يَذْبَحُونَ** »،

« تلاشِ متنوع و مستمری » است که

« ضحاکانِ مستکبر » جهان با آن،

« مغزِ پسرها » را « شتشیبو » می‌دهند.

و «يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَهُمْ»

برای «جلوگیری دائم» از:

«تکثیر و إقتدار مؤمنین» است.

قرآن درباره « حاکمیت افراد سلطه‌گر » می‌فرماید:

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا

وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ... (بقره/۲۰۵)

و اگر (نااهلی) متولی امور شود تلاش می‌کند تا در زمین تباهی پدید آورد،
و او « زیربناهای » (تولید) و « نسل » (و جوانی جمعیت) را نابود می‌کند...

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ

يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ ... (قصص/٤)

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ

يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ...

(بقره/٤٩)

« مورد ششم »:

« یستحیون »

(بقره / ۴۹)

« اِسْتِحْيَاء » یعنی چه؟

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا

تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ

قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا ...

پس یکی از آن دو زن در حالی که به آزرم گام بر می داشت نزد وی آمد و گفت:

پدرم تو را می طلبد تا تو را به پاداش آب دادن برای ما مزد دهد ... (قصص/۲۵)



إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَهُ فَمَا فَوْقَهَا

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ... (بقره/٢٦)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ

فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ

فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ

وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ ... (أحزاب/٥٣)

« **استحياء** » (از حياء) يعنى:

« بروزاتِ كلامى و رفتارى خود » را

« محدود کردن. »

« یستحیون یعنی چه؟ »

« **يَسْتَحْيُونَ** » (از حیات) یعنی:

« زنده نگهداشتن برای هدفی خاص »،

و « محدود کردنِ بروزاتِ زنان »،

« مطابقِ نظرِ سلطه‌گران. »

... يَذْبَحُونَ أَبْنَاءَكُمْ

وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ... (بقره/۴۹)

« دختران و زنان را زنده نگه می‌دارند » تا:

آنها را برای بردگی جسمی و جنسی به کار بگیرند.

آیا زمین در زمستان می‌میرد؟

وَ آيَةٌ لَهُمْ

الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَحْيَيْنَاهَا ... (يس / ۳۳)

و برهان و نشانه و نشانی برای (همه) آنها (که از خود غافلند).
این «زمین مُرده» است که ما آن را زنده کردیم.

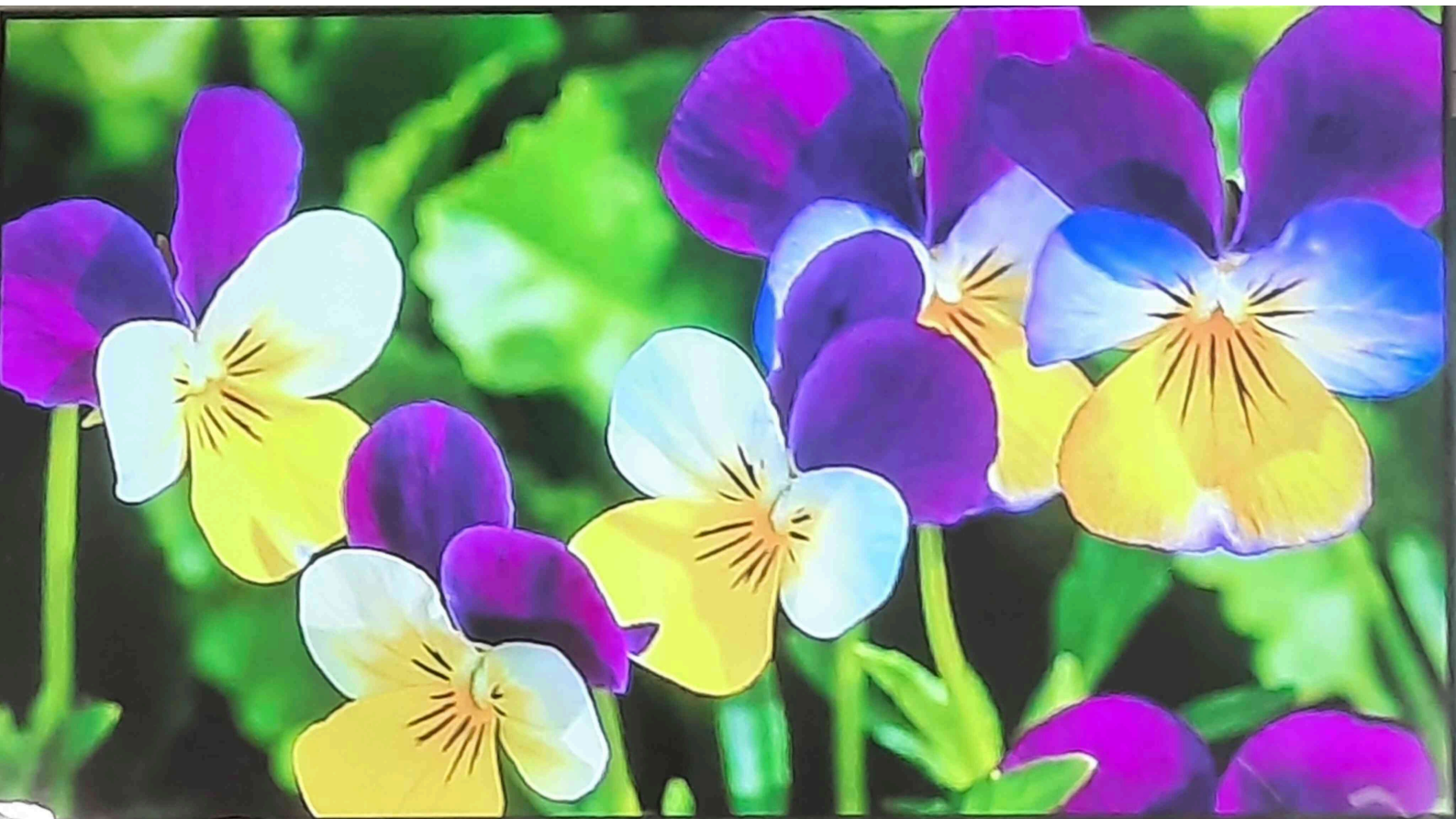
اگر « زمین بمیرد»، « گیاهان » هم باید « بمیرند»،
در حالی که همه مردم در « سردترین زمستان‌ها»،
و در « پارک‌ها و جنگل‌های همه جای کشور»،
گیاهان و درختان « سرسبز » زیادی را دیده‌اند،
پس « زمین جامد»، « مرگ » و « حیات » ندارد.

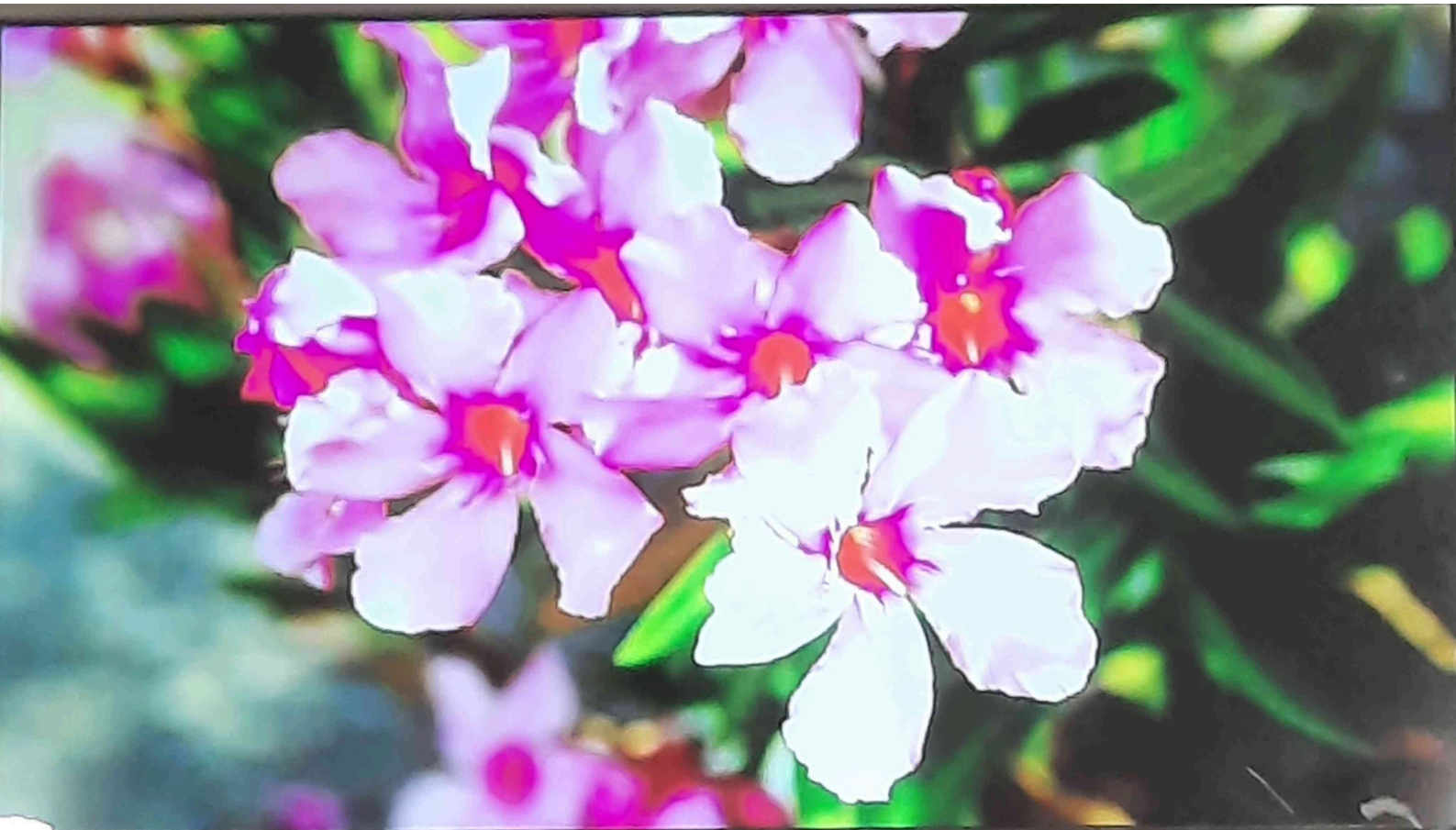








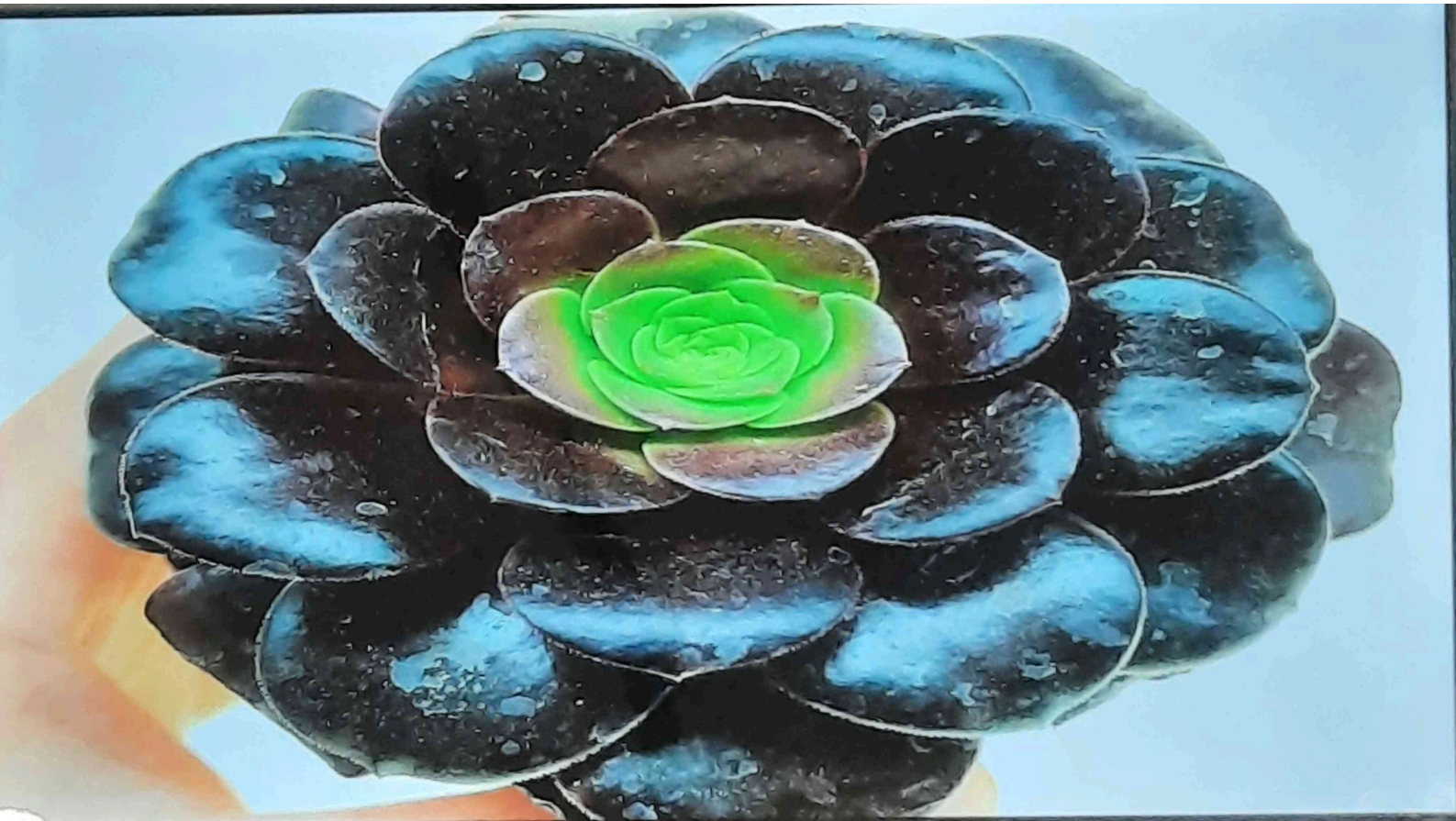


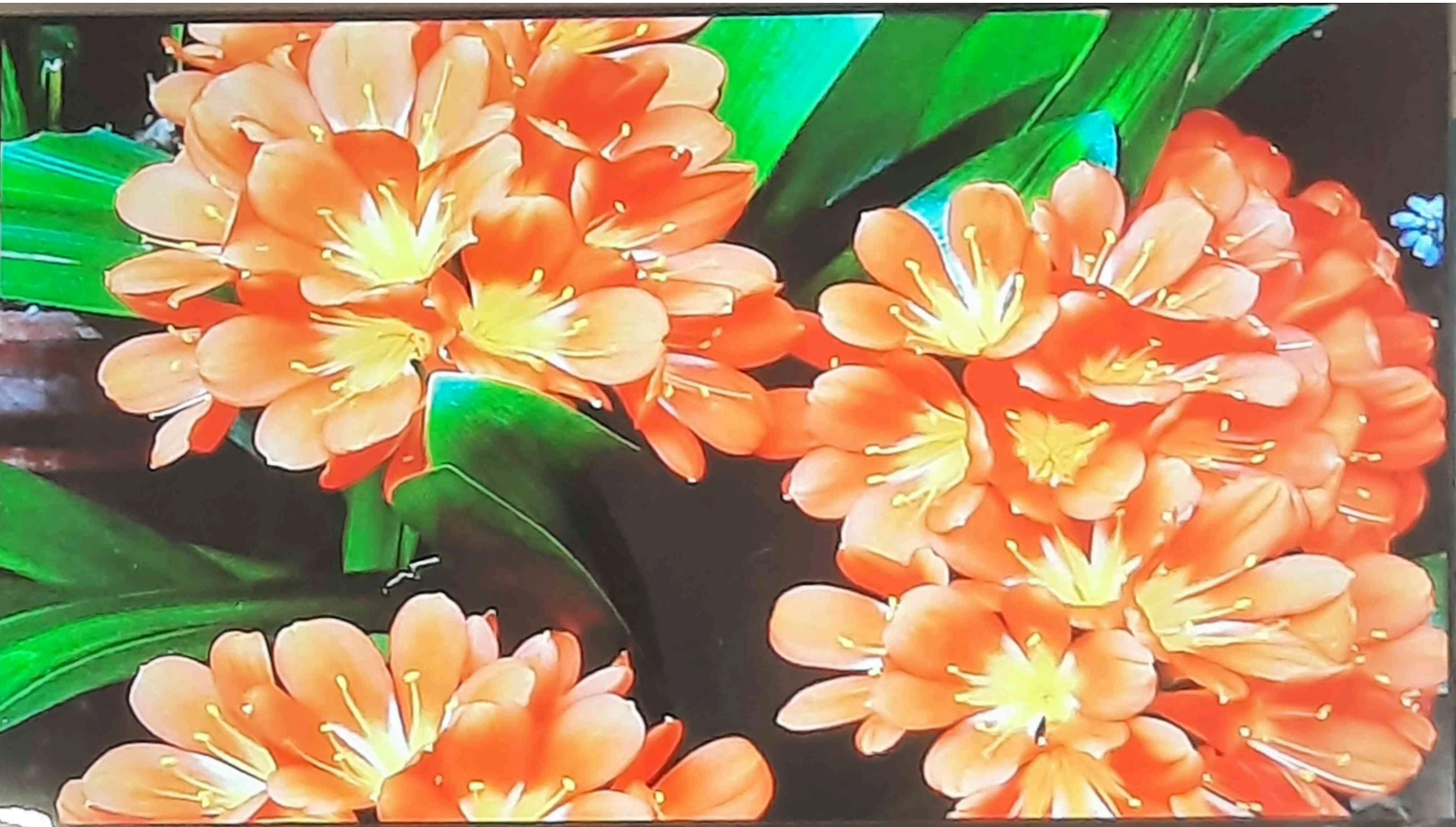






















پس « **خاک جامد** زمین، مرگ و **حیات** » ندارد،

و « **حیات انسان** » از « **خاکی** » بودن او نیست:

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ... (فاطر/۱۱)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ... (روم/۲۰)

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً ... ثُمَّ **أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ** ... (مؤمنون/۱۴)

چرا « خاکِ جامد »، « مرگ و حیات » ندارد؟

زیرا فقط « ماء » سرچشمه « حیات » است:

... وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ

أَفَلَا يُؤْمِنُونَ؟ (أنبياء/ ۳۰)

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ ... (نور/ ۴۵)

« مِيتَ »، مخلوقی است که

مجارىِ « ادراكىِ » او « قطعِ » شده،

و لذا « رشدِ » و « تحوّلِ » او،

« متوقفِ » مانده است. (مثل: گوشى بدون سیم کارت)

« زمینِ مُردۀ زنده شده » کجاست؟

احتمالاً منظور از « **الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ** » (زمین مُرده)،
« **انسانِ زمینی** » و افرادِ « **زمین‌گیری** » هستند که
مثل « **اطفال** »، « **خوشبختی** » و « **جاودانگی** » خود را
در « **بازی** » (با: وسائل بازی، وسائل خانه، بازیهای مجازی، سیاست، عشق و با هر چیزی)،
و در « **عناصرِ زمینی** » (مثل: شهوت، ثروت، قدرت، خانه، ماشین، ...)،
و در « **عناوین دنیوی** » (مانند: شهرت، حُبّ جاه ...) جستجو می‌کنند:

« مَيْت » مانند:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمُ **النَّذْرُ لَهُمْ** أَمْ لَمْ **تُنذِرْهُمْ** لَا يُؤْمِنُونَ (٦)
خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ... (بقره/٧)
وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ **الْكَافِرِينَ** (١٠٧) أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى
قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ **الْغَافِلُونَ** (نحل/١٠٨)
... لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ
بِهَا **أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ **الْغَافِلُونَ**** (اعراف/١٧٩)

« مِيت » مانند:

وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا ... (اعراف/۱۷۵)

وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ ... (اعراف/۱۷۶)

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ (شہرتہ، ثروتہ، قدرتہ، اموالہ) (زیاراتہ، عبادتہ، اذکارہ، اوراتہ) **أَخْلَدَهُ** (همزہ/۳)

يا أيها الذين آمنوا! ما لكم إذا قيل لكم انفروا في سبيل الله

انما قلتم إلى الأرض! أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ ... (توبہ/۳۸)

... **تَرَكِي** (۱۴) **ذَكَرَ** ... **صَلَّى** (۱۵) **بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا!** (اعلیٰ/۱۶)

پس مستکبرین با:

وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَهُمْ ... (بقره/۳۹)

از زنان «مُرده‌های متحرکی» می‌سازند،

تا برای «اهداف» خود از آنها «بهره» ببرند.

فرق انسان « زنده » و « مُرده » چیست؟

« همهٔ مردم » در « دو گروه » قرار می‌گیرند:

گروه اول:

آنها که عاقلانه بالغ می‌شوند و به خدا ایمان می‌آورند
و تسلیم سفیران او می‌شوند و دعوتِ آنها را می‌پذیرند،
و از کتابِ او اطاعت می‌کنند و « **إحياء** » می‌شوند:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا!

استجیبوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ

إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ... (أنفال/ ۲۴)

ای اهل ایمان؛ وقتی خدا و رسول او، شما را به چیزی فرا می خوانند که به شما « زندگی » می بخشد، دعوت آنان را بپذیرید و اجابت کنید ...

نشانهٔ موجودِ «متصل» به منبعِ «حیات» اینست که:

«مجارى ادراكى» او با «نورِ الهى فعال» اند:

أَوْ «مَنْ»، «كَانَ مَيِّتًا» «فَأَحْيَيْنَاهُ»

وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشَى بِهِ فِي النَّاسِ ... (أنعام/۱۲۲)

آنکه (دل) مرده بود و زنده‌اش کردیم و برایش نوری قرار دادیم تا با آن میان مردم راه برود ...

انسانِ « زنده » دنبالِ چنین « نورانیّتِ » است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ: ...

أَنْ تَمَلِّأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَ صَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَ فِكْرِي نُورَ النِّيَّاتِ
وَ عَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَ قُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَ لِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَ دِينِي
نُورَ الْبَصَائِرِ ... وَ بَصَرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَ سَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَ مَوَدَّتِي
نُورَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ (صلوات الله عليهم) حَتَّى أَلْقَاكَ ... (دعای بعد از زیارت آل یاسین.)

گروه دوم:

آنهایی‌اند که با « **تکذیب** و **انکار** و **استهزاء** »

« **خدا** و **سفیران** و **کتاب** و **اولیاء او** »،

به « **نورِ خالق** » خود « **متصل نشده‌اند** »، لذا

در « **قبر** » خود « **کور** و **کر** و **لال** و **ضال** » مانده‌اند:

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ ...

مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَن فِي الْقُبُورِ (فاطر/٢٢)

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ... (أنعام/٣٦)

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى

وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ»، «إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ» (نمل/٨٠)(روم/٥٢)

أَوْ «مَنْ»، «كَانَ مَيِّتًا»، «فَأَحْيَيْنَاهُ»

«كَمَنْ»، «مِثْلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ»، «لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا؟» ... (أنعام/١٢٢)

« موردِ هفتم »:

« نساء »

(بقره / ۴۹)

« نساء » یعنی چه؟

متأسفانه مترجمین و مفسرین، « **نساء** » را
فقط « **زنان شوهر دار** »، « ترجمه » کرده‌اند.
در حالیکه این کلمه در قرآن، علاوه بر « همسر »،
« مادر، خواهر، دختر، خاله و عمّه و زنان بیوه » را هم
شامل می‌شود:

اما کلمه « نساء » در قرآن می تواند:
« نوزادِ دختر » یا « دختر »،
« زنِ مجرد » یا « زنِ متأهل »،
و یا « زنِ مسن » را شامل شود:

مثلاً: مصداقِ کلمهٔ « **نِسَاءَنَا** » در آیهٔ « **مِیَاهِلَه** »،

« **حَضْرَتِ فَاطِمَه زَهْرَا** » سلامِ اللهِ علیها هستند،

که « **دَخْتَرِ پیامبر** » صلی الله علیه و آله بودند:

... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَ **نِسَاءَنَا** وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا

وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلُ فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (آل عمران/۶۱)

و در آیه‌ی:

... لا یَحِلُّ لَکَ النِّسَاءُ ...

(أحزاب/۵۲)

فقط « زنانِ مجرد » را شامل می‌شود.



و « نِسَاء » در آیات:

يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ (بقره/۴۹)

... يَقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ... (اعراف/۱۴۱)

... وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ... (إبراهيم/۶)

شامل « نوزادانِ دختر » می شود نه همسران.

و « نساء » در آیاتی مثل:

خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً (نساء/۱)

لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ ... وَ لَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ (حجرات/۱۱)

... اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَ اسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ (مومن/۲۵)

« همه اصناف زنان » را شامل می شود.

« نوزاد »: ... يُقْتَلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَ يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ... (اعراف/١٤١)

« دختر »: ... نَدَعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ ... (آل عمران/٦١)

« بانوان مجرد »: ... لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ ... (احزاب/٥٢)

« بانوان متأهل »: وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ ... (بقره/٢٣٢)

« زن مسن »: وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا ... (نور/٦٠)

پس طبق این آیاتی که دیدیم،

« مادران و خواهران و همسران و دختران »،

و « خاله‌ها و عمه‌ها و بانوانِ مجرد و بیوه »،

و خلاصه « همه زنان »،

« مصداقِ نساء » هستند.

پس « مستکبرین سلطه‌گر » با:
... **يَذْبَحُونَ** **أَبْنَاءَكُمْ** **وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ** ...
« انقلاب‌ها » و « دولتهای استقلال طلب » را
به « آشوب » و « نابودی » می‌کشانند.

خدایا؛

« بانوانِ مؤمن » را

در ایفاء « نقشِ بسیار مهم » خود،

و در پیدایش « اُمَّتِ نَمُونَه » موفق، و آنها را

در زمینه‌سازی ظهور آخرین حجّت سهیم فرما.

